

«طوطی فلور» تلفیقی از رمان و نقد و تحلیل

«اگر درگیر زندگی باشی، آن را به وضوح نمی بینی؛ یا بیش از حد از آن لذت می ببری و یا بیش از حد رنج می کنی... به عقیده من هنرمند یک غول بی شاخ و دم است، چیزی خارج از طبیعت. تمام مصائبی که مشیت الهی سر او آورده نتیجه سرسختی در انکار این اصل کلی است بنابراین مجبورم به این شیوه زندگی کنم؛ تنها، با انبوه سردان بزرگی که خود برگزیده‌ام و تنها رفقایم هستند.»

رمان «طوطی فلور» با ترجمه الهام نظری به تازگی به بازار کتاب راه پیدا کرده است. این مترجم در یادداشتی که در ابتدای کتاب آورده، انگیزه خود را از ترجمه این رمان اینگونه بیان کرده است:

«ماجرای ترجمه این کتاب از جلسات داستان‌خوانی زنده‌یاد کورش اسدی شروع شد. آن موقع جوین بارنز تازه جایزه بوکر را برای آخرین کتابش برده بود. من آن کتاب را خریدم و خواندم و واقعا لذت بردم. قصد داشتم ترجمه‌اش کنم که گفتم قبلاش با آقای اسدی مشورتی بکنم. او به من گفت معروف‌ترین اثر این نویسنده «طوطی فلور» است که سال‌ها پیش منتشر شده و در زمان خودش انقلابی در رمان‌نویسی بست مدرن به شمار می‌آمده است. می‌گفت هوشنگ گلشیری مرتب از این کتاب پیام می‌کرد. خلاصه کتاب را خریدم و دو روز خواندم و تصمیم گرفتم ترجمه‌اش کنم.» رمان «طوطی فلور» نوشته جوین بارنز با ترجمه الهام نظری از سوی نشر ماهی در ۲۴۷ صفحه و ۱۵۰۰ نسخه به تازگی منتشر شده است.

طوطی فلور

جوین بارنز

۳۰۰ صفحه



مردانند؛ احساسات به آن‌ها هرگز سردی نمی‌گیرد.» بجران‌های شدید عاطفی و شوک‌های احساسی چیزی است که آدمی را همیشه به تفکر درباره حقیقت زندگی وامی‌دارد و بارنز از این مساله برای پیشبرد و نوشتن رمانی درباره تفکرات یک نویسنده مطرح بهره برده است. این راوی فریخته در دوران شخصیت‌های رمان نیز وارد می‌شود و آن‌ها را با افرادی که در زندگی‌اش وجود دارند، مقایسه می‌کند. کاراکتر «فلیسیته» از داستان «ساده‌دل» از آن جمله است. شاید بهترین جملات برای بیان انگیزه و هدف اصلی جوین بارنز از نوشتن این رمان را در همین چند خط بتوان خلاصه کرد که در پشت جلد این کتاب آمده است:

هرمی آوریم تا دل ستارگان را نرم کنیم، اما تنها خرس‌ها به ساز ما می‌رقصدند.» پس می‌توان خالق این سطور را یکی از این دو دانست؛ نویسنده‌ای صاحب سبک، سرسخت و تمام‌عیار یا کسی که زبان را به شکل غمانگیزی نابسته می‌داندست.»

راوی این رمان به هر جا و مکانی که پا می‌گذارد اندیشه‌های فلور را با خود همراه می‌برد و فضایی که به آن وارد می‌شود را با فضا سازی‌های فلور در آثارش مقایسه می‌کند. «پایوسن فقط یک اتساق دارن، اتقایی مریع با سفتی هرمی شکل. یاد اتساق فلیسیته افتادم؛ به فضاایش هم به نمازخانه می‌مانست و هم به بازار.» این جا هم ترکیب‌هایی معنادار از گروتسک فلورسوی - عرت‌وپرت‌های بی‌ارزش کنسار یادگارهای ارزشمند. اشیای به نمایش گذاشته‌شده را نامرتب چیده بودند. مدام مجبور بودم زانو بزنم تا داخل کابینت‌ها را ببینم، درست مثل مؤمنی مشغول عبادت یا مثل جست‌وجوگران در مغازه‌های سمساری.»

راوی در ابتدای رمان، گامشمارای از زندگی گوستاو فلور نیز می‌آورد تا خواننده هر چه بیشتر با آثار و اندیشه‌های این نویسنده فرانسوی درگیر کند. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است؛ دلیل شیفنگی این راوی نسبت به فلور چیست و اصولا چرا یک آدم باید تا این حد درگیر تفسیر جزئیات زندگی شود؟ جوین بارنز در پاراگراف آخر صفحه ۲۶ به این پرسش مهم پاسخ می‌دهد: «سه روز قبل، بی‌هیچ احساسی در ساحلی ایستاده بودم که دوستان نزدیکم در آن کشته شده بودند. شاید این مزیت رفافت با آدم‌هایی باشد که

مسیر خود یاد می‌کند و حتی از آمولاتسی به همین نام و قیاس جالبی از اضافی که نام فلور را برای خود برمی‌گزینند ارائه می‌دهد. او در موزه‌گردی خود به یک طوطی برخورد می‌کند که موزه‌دار می‌گوید همان طوطی‌ای است که فلور آن را در برابر نوشتن از موزه روان به امانت گرفته و در زمان نوشتن «ساده‌دل» روی میزش گذاشته است. راوی احساس خود به فلور را با دیدن این نویسنده با حس و حال عمیقی بیان می‌کند:

عمیقاً با نویسنده احساس نزدیکی می‌کنم، با مردی که آیندگان را از هر گونه علاقه شخصی به خود بازداشته است. مجسمه‌اش دوباره ساخته شده بود، خاتمش تخریب شده بود، کتاب‌هایش طبعاً زندگی خودشان را داشتند و مخاطبان به آن‌ها واکنش نشان می‌دادند نه به خود او. اما این جای این طوطی سبز معمولی، که در شرایط عادی و در عین حال اسرارآمیز نگهداری می‌شد، چیزی بود که باعث می‌شد احساس کنم کم‌وبیش نویسنده را شناختم. هم خوشحال بودم هم متاثر.»

راوی از این جا به بعد وارد نقد و تحلیل آثار فلور می‌شود و این کار را با مشهورترین رمان وی آغاز می‌کند؛ «مادام بواری»: «این عطش بی‌پایان به استعاره آزرآم می‌دهد. قیاس‌ها مثل شیش به جام می‌افتند و وقتم را به طالت و لکه‌زدن‌شان می‌گذرانم. کلمات به آسانی به ذهنم فرو می‌رسیدند، اما او نارسایی پنهان کلمه را هم درمی‌یافت. این تعبیر غم‌انگیز در «مادام بواری» را به یاد پیاروسید: «زبان آدمی چون تشت ترک‌خورده‌ای است که ما از آن نواهایی

اشک‌های مسی روان از دیدگانش، جلیقه و سلوار خمرهای به تن دارد، با پایونی شل و ول و سیبلی نامرتب، چهره‌ای بیمناک و منزوی از این مرد. فلور به ما نگاه نمی‌کند. به جنوب چشم دوخته است، از میدان کارم به کاندراال.»

نویسنده از توصیف ویژگی‌های ظاهری مجسمه نویسنده محبوبش آغاز می‌شود و به کله طاس او می‌رسد و از همین جا ورود به اندیشه‌های او را آغاز می‌کند و تا پایان رمان به قیاس زندگی خود با اندیشه‌های فلور می‌پردازد.

اولین بحثی که راوی در این رمان مطرح می‌کند دلیل پرداختن عوام به جزئیات زندگی یک نویسنده در کنار آثاری است که از او به جای مانده است: «چرا نوشته باعث می‌شود دنبال نویسنده بقیتم؟ چرا نمی‌توانیم او را به حسد خود خوش بگذاریم؟ چرا کتاب‌ها برایمان کافی نیستند؟ فلور می‌خواست آن‌ها برای خواننده کفایت کنند. زیاد نیستند نویسنده‌گانی که پیش از فلور به عنایت متن و بی‌اهمیتی شخصیت نویسنده اعتقاد داشته‌اند. با این همه باز هم ما خیره‌سزانه به تعقیب خود ادامه می‌دهیم؛ تصویرش، چهره‌اش، امضایش؛ مجسمه ۹۲ درصد مسی و عکسی که نادر از او گرفته؛ تکه‌پاره‌های لباس‌هایش و دسته مویش، چه چیزی ما را به بقایای او حریص می‌کند؟ آیا به قدر کافی به کلمات باور نداریم؟ فکر می‌کنیم بازمانده‌های یک زندگی حقایق را آشکار می‌کنند؟»

راوی حتی در گذر از خیابان هم دست از مقایسه زندگی خود با اندیشه‌های فلوری نمی‌کند و از اغذیه‌فروشی و چاپخانه‌ای به نام فلور در

«طوطی فلور» نوشته جوین بارنز است که در ایران او را به عنوان نویسنده «درک یک پایان» می‌شناسند. «طوطی فلور» به زعم برخی از نویسندگان بهترین اثر این نویسنده انگلیسی به شمار می‌رود.

به گزارش اینستا، جوین بارنز نویسنده‌ای است که به علت نوشتن رمان-تفکرهاش مشهور است. بارنز در آثارش سبک و سیاق جدیدی برای قصه‌گویی برگزیده و همواره از بینامتنیتی قوی و پرنسگ در آثارش بهره برده است. این بینامتنیت لزوماً به شخص یا اثری خاص ارجاع پیدا نمی‌کند و گاه بر آبدی اثر تفکرات و اندیشه‌های چند ادیب و چهره فلسفی را در برمی‌گیرد که از زبان نویسنده بیسان می‌شود. بهترین نمونه آن هم رمان «درک یک پایان» به قلم همین نویسنده است که من‌بوکر ۲۰۱۱ را برای بارنز به ارمغان آورد.

«طوطی فلور» نام رمان-تفکر دیگری از این نویسنده انگلیسی است. این رمان یکی از مهم‌ترین آثار بارنز و تلفیقی است از رمان، زندگی‌نامه، تحلیل و نقد ادبی. قهرمان این کتاب مردی است فرهیخته و شیفته گوستاو فلور، نویسنده مطرح فرانسوی. این کاراکتر برای گشودن رازی که در ابتدای پیش یافتاده به نظر می‌رسد، تقی به دل شخصیت‌های آثار و زندگی فلور می‌زند و در این میان حقایق و عقاید خود درباره زندگی را با رازهای جهان فلور در هم می‌آمیزد.

این رمان با توصیف راوی از مجسمه فلور آغاز می‌شود: «بگذارید از مجسمه شروع کنم؛ آن بالا ایستاده است، همیشگی و نه چندان خوش‌تراش، با

معرفی کتاب

کنکاشی در گمنام‌ترین روستاهای دهکده جهانی ذهن و زبان با «اسطوره و شعر»

روایت تولد قالبی ایرانی از زبان نادر ابراهیمی



«قصه گل‌های قالی» تصویری شاعرانه از پیدایش هنر قالی‌بافی در ایران است که به قلم نادر ابراهیمی و تصویرگری نورالدین زرین کلک به چاپ دهم رسیده است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) نادر ابراهیمی در کتاب «قصه گل‌های قالی» نگاهی به هنر والای قالی‌بافی و نقش آن در ایجاد تخیل دارد. نویسنده ضمن بیان مقدمه‌ای از تاثیرهای توجه به قالی و فرش به بیان داستانی افسانه‌وار پرداخته است. در این کتاب، مسردی از اهالی کرمان به دنبال خشک‌سالی سرزمینش سفر را آغاز می‌کند. پس از چند سال که او به خانه برمی‌گردد با درخواست فرزندانش مبنی بر تصویرسازی این سفرها روبه‌رو می‌شود. او که نمی‌تواند فرزندان خود را به سفر ببرد و نمی‌داند چطور آن شهرها را به خانه‌اش بیاورد به شیوه جدیدی از آفرینش فکر می‌کند. با این فکر است که او بافت قالی را شروع می‌کند و دریا و قایق و جنگل را به خانه می‌آورد. در تصویرسازی‌های این کتاب که از سوی نورالدین زرین کلک انجام شده است، مخاطبان با نقش قالی‌ها همراه می‌شوند و با آن‌ها سفر می‌کنند. این اثر نخستین بار در سال ۱۳۵۲ از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است. براساس خبر روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، کتاب «قصه گل‌های قالی» با قطع خستنی و ۲۴ صفحه مناسب گروه سنی «۷ تا ۹ سال» است. گفتنی است این اثر که پیش‌تر در شمارگان ۸۰هزار نسخه به دست مخاطبان رسیده بود هم‌اکنون در پنج هزار نسخه منتشر شده است.

وقتی تاریخ در یک کتاب آرایزمی هم‌گیرد

محمدرضا یوسفی در داستان بلند «وقتی تاریخ آرایزمی هم‌گیرد» به روایت یک عشق در زمان ورود روس‌ها به ایران می‌پردازد. به گزارش ایبنا، محمدرضا یوسفی در اثر جدید خود «وقتی تاریخ آرایزمی هم‌گیرد» با خلق چند روایت به بیان یک داستان تاریخی برای نوجوانان پرداخته است. نویسنده در ۲۱ فصل که راویان آن متفاوتند زندگی آذری‌هایی را نقل می‌کند که با ورود روسیه به ایران دستخوش تغییرات اقتصادی، عاطفی، امنیتی و... می‌شوند. در بخشی از کتاب «وقتی تاریخ آرایزمی هم‌گیرد» می‌خوانیم: «قند و شکر روسی مزه دیگری داشت، آن را از کبکمی که مجاهدها به سنگر روس‌ها در بالا رود زنده به دست آوردم. تفنگ و گلوله‌ها را مجاهدها برداشتند قند و شکر را به من دادند. برای دو روسی که در درگیری کشته شدند، گور کندیم و خاکشان کردیم، وگرنه طعمه‌ی گرگ‌ها می‌شدند. سگرشان بالای کوه بود و از آنجا جاده را زیر نظر داشتند و هر کسی که رد می‌شد، به پشت سرشان را برت می‌دادند.» این کتاب که همراه با متن ترانه‌های محلی آذری و ترجمه فارسی آن است در ۸۰ صفحه از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

انجمن شاعران مرده



اسطوره‌ها، باورها و خرافات، اسطوره و ادبیات، شعر، اسطوره و شعر، حماسه‌ها، اسطوره و مفاهیم نمادین طبیعی، اسطوره جشن و سوگ و سیاوش، آنیمسم و خوانش اساطیری چند شعر برگزیده از شاعرانی چون: حافظ، نیما، فروغ، سهراب سپهری، اخوان شاملو و بیژن نهدی آشنا می‌شوند. در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است: در این کتاب سعی شده است که به راز و رمزهای ذهنی و عینی، کلیدی و بکر پرداخته شود. گرایش ذهنی و آیین‌ها و باورهای عملی و قومی و بومی و فرهنگ ملی و چگونگی ارتباط جهانی این موارد و تابل و تحلیل این راز و رمزها، در دم دستی‌ترین و عادی‌ترین

می‌کند چرا که شعر و اسطوره با ساختار ذهنی همسان و سرچشمه‌های ناخودآگاه خود دارای زبانی مشترکند و آن زبان نمادین است. کتاب «اسطوره و شعر» می‌کوشد تا با آشکار سازی معانی بنیادین اسطوره و شعر به شیوه‌های هرومنگ‌تری می‌رسد، اما او نارسایی پنهان بررسی موضوعات مورد بحث پردازد. «اسطوره و شعر» عنوان کتابی است که جلیل قیصری و ابراهیم تجاری به رشته تحریر درآورده اند و انتشارات تانگش با ویراستاری سیده راحیل موسوی آن را در ۲۶۸ صفحه به چاپ رسانده است. در این کتاب خوانندگان در سه فصل مجزا با عناوینی چون معانی اسطوره،



مهم‌ترین و بنیادی‌ترین دغدغه‌های بشری هستند که در درازنای زمان به گونه آژمان‌های ذهنی، آیین‌ها و باورهای عملی بر اساس چارچوب‌های اقتصادی و اجتماعی با هسته واحد و شاخ و برگ‌های متفاوت در ذهن و عین تجلی می‌یابند. اگر چه هیچ انسانی بنا به سرشت انسانی خود جدا از شعر و اسطوره نیست، گاه به دلیل ساختارهای ذهنی، دل‌مشغولی‌های سرشتی، تمایلات هستی‌شناسانه و نوع نگاه به هستی، تن‌هایی از تباطی بنیادی‌تر با شعر و اسطوره دارند و اگر شاعر باشند یا ادیب، این عظمت دبستگی را عمیق‌تر

سیری در اندیشه سیاسی عرب

این کتاب، ضمن اشاره‌هایی به زمینه اجتماعی و اقتصادی مسائل، بررسی اندیشه‌هاست نه نقد آن‌ها، و این روش را از آن رو ضروری می‌داند که بسیاری از اندیشه‌های گرانی که از آنها سخن گفته شده در ایران ناشناخته یا کم شناخته بوده‌اند. با این حال، هر گاه عقایدی که موضوع بحث بوده و با تاریخ اندیشه اجتماعی و سیاسی ایران مناسبت داشته است، به اجمال به نقد گذاشته شده‌اند. از دید عنایت یکی از کمبودهای اساسی محیط فکری ما در ظرف نیم قرن اخیر، بی‌خبری از جریان‌های فکری در کشورهای مسلمان است. این بی‌خبری گذشته از علل سیاسی،

آیا واقعا علم بد است؟

در فرمول‌ها تحلیل می‌شوند. اگر چه سپاه‌چاله‌ها در سازمان پژوهش‌های هسته‌ای اروپا پیش می‌شود و اکتشافات زیادی در این سازمان پیش‌بینی می‌شود؛ فیزیکدانان باور دارند که بهترین تئوری‌ها، تئوری‌هایی هستند که زیبا، طبیعی و ظریف باشند؛ به نوعی فقط جذب باشند معمولا این تئوری‌ها قابل آزمایش نیستند. اینجاست تفاوت‌های تئوری‌های محجوب فیزیکدانان را از آن‌هایی که قابل عرضه هستند جدا می‌کند. به همین دلیل سایین هوزنفلدر استدلال می‌کند ما پیش از چهار دهه است که از پیشرفت‌های مهم در زمینه فیزیک

رابطه کتابخوانی و پیروی مغز

سال جدید میلادی فرا رسیده است و خیلی‌ها تصمیم می‌گیرند که سال جدید بیشتر بخوانند اما سؤال اینجاست که چرا اصلا باید به خودمان زحمت بدهیم و چگونه وقت لازم را بیابیم. تحقیقات جدید نشان می‌دهد کتابخوانی نه تنها در کودکان بلکه در بزرگسالان هم موجب سلامتی مغز انسان می‌شود و روند پیری مغز را کند می‌کند. به گزارش ایبنا، به نقل از پایپولر ساینس، تحقیقات علمی جدید نشان می‌دهد کتابخوانی برای سلامتی مغز مفید است. پیش از این اثبات شده بود که کتابخوانی برای مغز کودکان مفید است و سبب می‌شود در بزرگسالی در تست‌های استعداد و بررسی واژه‌ها بهتر عمل می‌کنند. مطالعه‌های دیگری هم در این زمینه انجام شده است. در سال ۲۰۱۲ بررسی انجام شده توسط دانشگاه استنفورده که در آن افراد هنگام انجام ام‌آرآی داستانی از جین استن خوانند نشان داد کتابخوانی موجب ورزش بخش‌های مختلف مغز می‌شود و هنگام افزایش سن پیری شناختی ذهن‌تان را کند می‌سازد. تحقیقی در سال ۲۰۱۶ نشان داد کسانی که داستان می‌خوانند درک بهتری از حالات روحی دیگران دارند. به این توانایی «تئوری ذهنی» می‌گویند. در این حالت می‌توانید صفات و حالات دیگران را به خود نسبت دهید و درک کنید ممکن است دیگران نظرات، احساسات، و افکار متفاوتی از شما داشته باشند. در نتیجه احساسات می‌دانت‌پردازی در مخاطبان داستان بیشتر است. بنابراین کتابخوانی نه تنها سلامتی مغزتان را افزایش می‌دهد بلکه انسان بهتری از شما می‌سازد. اما مشکل اینجاست که خیلی‌ها زمان کافی برای کتاب خواندن ندارند. بنابراین باید با برنامه‌های کوچک شروع کنید. مثلا با خواندن پنج صفحه در روز کتابخوانی را آغاز کنید. وقتی موفق می‌شوید پنج صفحه در روز شش‌دیگر کمی بعد هدف خود را به ده صفحه در روز افزایش دهید. به عیاق خود توجه کنید. اگر در آغاز راه تصمیم به خواندن «برادران کارامازوف» ب‌گیرید - چون کتاب معروفی است- خسته می‌شوید. خواندن کتابی که دوست‌دارید سبب می‌شود از خواندن لذت ببرید و به عنوان اجبار به آن نگاه نمی‌کنید. به تدریج و پس از عادت کردن به کتابخوانی می‌توانید به سراغ آثار جدی‌تر بروید.

خانه ات سرد است؟ خورشیدی در پاکت می‌گذارم و برایت پست می‌کنم ستاره‌ی کوچکی در کلمه ای بگذار و به آسمان روانه کن بسیار تاریک

در روند عادت کردن به کتابخوانی با خود مهربان باشید و از خود خیلی انتقاد نکنید. خود آزاری سبب می‌شود به هدف خود رسید. به خود سخت نگیرید مخصوصا اگر از نقطه صفر آغاز کرده‌اید. اگر روزی از برنامه خود عقب ماندید نترسید. همه ما گاهی دوست داریم بیش از حد تلویزیون یا سریال موردعلاقه‌مان را نگاه کنیم. سعی کنید به برنامه خود در طولانی مدت متعهد باشید. برای رسیدن به این منظور سعی کنید گاهی کتاب صوتی یا خود داشته باشید تا در وقت‌های مُرده طول روز مانند حضور در تاکسی یا اتوبوس به آن گوش دهید. البته این موضوع سبب می‌شود به موضوع برتری کتب چاپی به آثار صوتی فکر کنیم اما باید بدینسان از نظر علمی این برتری به اثبات نرسیده است. باید بدانیم که کتاب خواندن موجب افزایش قدرت ذهنی و توانایی کار کردنمان می‌شود. استراحت دادن به خود در میانه انجام کارهای جدی سبب می‌شود حافظه کوتاه‌مدت‌تان بهبود یابد. بنابراین هر وقت انگیزه خود را برای کار کردن از دست دادید چند صفحه کتاب بخوانید تا با روحیه‌ای بهتر سر کار خود برگردید.

خانه ات سرد است؟ خورشیدی در پاکت می‌گذارم و برایت پست می‌کنم ستاره‌ی کوچکی در کلمه ای بگذار و به آسمان روانه کن بسیار تاریک

رو به کلاس کرد و گفت: کاری که ناکس انجام داد، نکته مهمی رو در برداشت، نکته ای که نه در شعر و شاعری بلکه در هر تلاشی دیگه ای باید به اون توجه کرد. این که دست بذارید روی مهم ترین چیزهای زندگی تون، عشق، زیبایی، حقیقت و عدالت. مقابل کلاس شروع کرد به قدم برداشتن، شعر رو به کلمه محدود نکنید. شعر در موسیقی هست. در یک عکس، در پرسوهای که غذا آماده می‌شه. در هر چیزی که کشف و شهودی در اون باشه. شعر می‌تونه در اغلب اتفاقات روزمره‌ی شما وجود داشته باشه، اما هرگز، هرگز معمولی و بیش یا افتاده نیست. البته می‌تونید درباره آسمان یا لیخنه دختر بی‌نویسید اما وقتی این کار رو می‌کنید، اجازه بدین شعر تون یادآور روز رستگاری باشه، یا رستاخیز، یا هر روزی. همان قدر که شعر تون باید روشنگری کنه، ما رو به هیجان بیاره و الهام بخش باشه، باید اندکی هم حس جاودانگی رو در ما زنده کنه. چارلی گفت: ای ناخدا! ای ناخدای من! آیا در ریاضیات هم شعری هست؟ البته جناب رالتون، لطافت و ظرافت در ریاضیات هم هست.

خانه ات سرد است؟ خورشیدی در پاکت می‌گذارم و برایت پست می‌کنم ستاره‌ی کوچکی در کلمه ای بگذار و به آسمان روانه کن بسیار تاریک

منوچهر آتش‌ی